

گفتمان کاوی نظام زبانی سوره الجن: بررسی آماری

عبدالباسط عرب یوسف آبادی*

استادیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه زابل، زابل، ایران

فؤاد عبدالله زاده**

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه زابل، زابل، ایران

فرشته افضلی***

استادیار زبان و ادبیات عربی دانشگاه دامغان، دامغان، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۵/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۳۰)

چکیده

«گفتمان» که به «شیوه خاص سخن گفتن» اطلاق می‌شود، از منظرهای مختلفی بررسی می‌شود که به آن «تحلیل گفتمان» می‌گویند. در تحلیل گفتمان با ارزیابی سطوح گوناگون متن، امکان دستیابی به برداشتی جدید و عمیق از متون گفتاری یا نوشتاری فراهم، و تعاملات زبان با ساختارهای فکری-اجتماعی کشف می‌شود. این شاخه از تحلیل می‌تواند جایگاه ویژه‌ای در مطالعات قرآنی یابد؛ چراکه تحلیل ساخت‌های گفتمان مدار قرآن، به کشف ایدئولوژی پنهان در پس همه آیات می‌انجامد. پژوهش حاضر در تلاش است با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به الگوی ون لیوون (۲۰۰۸ م.) که با تأکید بر اهمیت کارگزاران اجتماعی گفتمان پایه‌ریزی شده‌است، نظام گفتمانی سوره جن را تحلیل نماید. این سوره به دلیل شرح فشرده داستان گروهی از جنیان به عنوان کارگزاران اجتماعی گفتمان، کنش‌های گفتاری شایسته توجهی دارد. بنابراین، از منظر ون لیوون تحلیل پذیر خواهد بود. بررسی‌ها نشان از آن دارد که در این سوره، مؤلفه‌های گفتمانی مبتنی بر اظهار (بسامد ۱۷۲) در مقایسه با مؤلفه‌های مبتنی بر پوشیدگی (بسامد ۲۴) بسامد بالایی دارد و این بدان معناست که خداوند در یک خلاقیت سبکی، مخاطب را با نام افراد، گروه‌ها، مکان‌ها و زمان‌هایی که کارگزاران اجتماعی (= جنیان) در آن نقش فعال دارند، آشنا می‌سازد.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان، گفتمان مدار، کارگزار اجتماعی، ون لیوون، قرآن کریم،

سوره جن.

* **Email:** arabighalam@yahoo.com (نویسنده مسئول)

** **Email:** foadabdolazadeh@uoz.ac.ir

*** **Email:** f.afzali@du.ac.ir

مقدمه

با نزول قرآن، انقلاب عظیمی در جامعه انسانی پدید آمد و این امر سبب شد روح و روان انسان‌ها تلطیف یابد؛ زیرا هدف از نزول قرآن، «کامل کردن فطرت انسان، تزکیه و اصلاح مفاسد اجتماع بشری» (عبده و رشیدرضا، ۱۴۲۲ق.، ج ۱۱: ۱۹۹) و «هدایت عام، جامع و گسترده انسان‌ها» (زرقانی، ۱۹۸۸م.، ج ۲: ۲۲) است. شناخت و درک این مهم که در دایره معارف قرآنی قرار می‌گیرد، بر لزوم مطالعات قرآنی در حوزه‌های مختلف تأکید دوچندان می‌نماید.

چندی است که مطالعه قرآن به منزله اثری ادبی که ویژگی‌های زبانی و بلاغی بی‌همتا دارد، از مناظر گوناگون، به‌ویژه تحلیل گفتمان (Discourse analysis) مقبول طبع قرآن پژوهان واقع شده است. تحلیل گفتمان که در بلاغت سنتی به «گفتار، وعظ، خطابه و مقال» ترجمه شده است (ر.ک؛ العموش، ۱۳۸۸: ۷)، به «مطالعه زبان در ورای مرزهای جمله و مطالعه روابط متقابل زبان و جامعه» (Stembrouck, 2001: 2) می‌پردازد و در این راستا، «زبان نوشتاری، گفتاری و پدیده‌های نشانه‌شناختی را تجزیه و تحلیل می‌کند» (تلاوی، ۲۰۰۹م.: ۸). از این منظر، مؤلفه‌های مورد بررسی، در یک گنش ارتباطی، شامل فحوای سخن، هدف، ارتباط و حال و هوای گفتمان می‌باشد. تحلیل گفتمان قرآن این امکان را فراهم می‌آورد که «تضادهای دوگانه مابین آنچه در متن آیه هست و آنچه نیست، اما با موضوع آن آیه مرتبط است» (جرفی و عبادیان، ۱۳۹۳: ۴) بررسی و در آن، تدقیق علمی شود. نمونه این کارکرد را می‌توان در محور همنشینی برخی از آیات قرآن مشاهده کرد؛ به عنوان مثال، همنشینی واژه «رحمت» در کنار «غفران» و انتساب آن به خداوند در آیه ﴿يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَرْجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ﴾ (السبا/ ۲) بدان سبب است که «این همنشینی با حکمت الهی انسجام یابد و رحمت با علم قرین شود» (الحمصی، ۱۹۹۳م.: ۱۶). با چنین دیدی، گفتمان قرآنی به رخدادی کلامی بدل می‌شود که «عناصر اصلی آن را پیام‌رسان، پیام‌گیر، پیام و هدف تشکیل می‌دهد» (یقطين، ۱۹۸۹م.: ۹). در تحلیل گفتمان قرآن، عنصر «هدف» نقش بارزی

در ارتباط کلامی پیام رسان (خداوند) و پیام گیر (انسان) دارد، به گونه‌ای که «در شکل گفتار و شیوه ساخت آن تأثیر می‌گذارد و بسیاری از متغیرهای سبکی را تفسیر می‌نماید» (مفتاح، ۱۹۹۰م: ۱۶۷). این امر با اهداف معرفتی-شناختی قرآن نیز ارتباطی دوسویه دارد؛ چه آنکه مهم‌ترین اهداف قرآن شامل «معرفت خدای سبحان، شناخت سعادت و شقاوت اخروی، و علم به وسایلی است که انسان را به سعادت برسانند و از شقاوت دور سازند» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۰۵ و مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۷: ۴۳۰). بنابراین، از منظری کلان‌تر، هدف تحلیل گفتمان آیات قرآن می‌تواند «توصیف کلام معنی‌دار فراتر از جمله» (آقاگل زاده، ۱۳۸۵: ۴۶) باشد.

از دیگر سو، زبان‌شناسانی که گفتمان را با این توسع معنایی به کار می‌برند، به منظور تعیین مؤلفه‌های گفتمان‌مدار یک متن، به تنظیم و پیشنهاد الگوهایی پرداختند که از آن میان می‌توان به الگوی گفتمان‌مدار ون لیوون (Van Leeuwen) اشاره نمود. الگوی ون لیوون، رویکردی مناسب برای تحلیل گفتمان حاکم بر سوره‌های قرآن کریم است؛ چراکه به دلیل تأکید بر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی با گفتمان قرآن که «مملو از واژگانی است که نیاز به تحلیل و بررسی دقیق دارد» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۳)، تناسب شایسته توجهی دارد. لیوون الگوی خود را بر پایه مؤلفه‌هایی چون حذف، اظهار، فعال‌سازی، منفعل‌سازی، تشخیص بخشی، تشخیص زدایی و غیره بنا نهاد. در این الگو، مجموعه‌ای از افراد به عنوان کارگزاران اجتماعی معرفی می‌شوند که در یک گفتمان مشارکت دارند.

پژوهش حاضر در تلاش است با تکیه بر روش توصیفی-تحلیلی و با هدف کشف روابط فرامتنی قرآن که «به نوعی در راستای اثبات حق آمده است» (طباطبائی، ۱۹۷۳م، ج ۷: ۱۶۶)، به میزان صراحت و پوشیدگی نظام زبانی سورة مبارکه جن پردازد. علت انتخاب سورة جن این است که این سوره بافت زبانی منحصر به فردی دارد، به طوری که در گفتگوهای جنیان با پیامبر^(ص) از تمام رخدادهای کنشی صورت یافته در حوزه‌های شناختی یک اجتماع فرهنگی-زبانی استفاده شده است. همچنین، خداوند در این سوره با به کارگیری تمام ظرفیت‌های زبانی، کلامی و معنایی به نهادینه ساختن رسالت پیامبر^(ص)

در اندیشه عموم پرداخته است. بر اساس این توضیحات، می توان ادعا کرد که الگوی وَن لیوون با تحلیل زبان شناختی سوره جن انطباق پذیر می باشد. در این پژوهش، با انطباق نظریه وَن لیوون بر سوره جن، به پرسش های زیر پاسخ داده می شود:

۱- میزان کارآیی تحلیل گفتمان مدار در سوره مبارکه جن تا چه حد است؟

۲- هر یک از مؤلفه های گفتمان مدار با چه انگیزه های بر کار گزاران اجتماعی اعمال شده اند؟

۳- تا چه میزان این مؤلفه ها توانسته اند به صورت برجسته اظهار شوند تا بر مخاطب تأثیر گذار باشند؟

۱. پیشینه پژوهش

در حوزه تحلیل گفتمان، تحقیق هایی در متون مختلف ادبی و سیاسی انجام شده است و پژوهش های متعددی به تحلیل گفتمان سوره های قرآن پرداخته است. در زیر به برخی از این پژوهش ها اشاره می شود:

- یار محمدی (۱۳۸۳) در کتاب *گفتمان شناسی رایج و انتقادی*، با بررسی رویکرد گفتمان انتقادی و شاخص های مختلف آن، آن را روشی مناسب در تحلیل گفتمان های نوشتاری و گفتاری معرفی کرده است. خلود العموش (۱۳۸۸) در کتاب *گفتمان قرآن: بررسی زبان شناختی پیوند متن و بافت قرآن با اختصاصی کردن حوزه گفتمان کاوی در متن قرآن*، بر این باور است که متن قرآن با تحلیل های گفتمانی تناسب زیادی دارد، به طوری که با شاخصه های گفتمان مدار می توان مخاطب را در درک بهتر مفاهیم آیات قرآنی یاری کرد.

- پهلوان نژاد و صحراگرد (۱۳۸۸) در مقاله «شیوه های بازنمایی کار گزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان شناسی انتقادی»، با تلفیق گفتمان کاوی و جامعه شناسی معتقد هستند که بیشتر متون دوره مشروطه از مؤلفه های جامعه شناختی-

معنایی استفاده کرده‌اند و شیوه غالب در بازنمایی کارگزاران اجتماعی در آن‌ها به ترتیب در قالب تشخیص بخشی، فعال سازی، تشخیص زدایی، حذف و منفعل سازی است.

- سیدی و حامدی (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیل گفتمان آیات مربوط به قیامت در دو جزء آخر قرآن» با تحلیل بافت زبانی آیاتی که به توصیف قیامت پرداخته‌اند، چنین برداشت نمودند که این نوع گفتمان بیشتر در راستای هشدار، بیداری غافلان و حتمی بودن وقوع قیامت است.

- پاکتچی و رهنما (۱۳۹۲) در مقاله «تحلیل فرایندهای گفتمانی در سورة قارعه با تکیه بر نشانه‌شناسی تنشی» پس از بررسی سورة قارعه بر اساس تحلیل فرایندهای گفتمانی چنین نتیجه گرفتند که فرایندهای گفتمانی سورة قارعه در کلیت آن، مطابق ساختار تنشی نزولی و در جهت گسست گفتمانی پیش رفته است.

- جرفی و محمدیان (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی سورة عبس از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو» با مطالعه نظریه گفتمانی فوکو به عنوان یکی از الگوهای تحلیل گفتمان، به این نتیجه رسیدند که با کاربرد این نظریه در تحلیل سورة عبس می‌توان نسبت به عوامل مؤثر محیطی در نازل شدن این سورة و تأثیر آن بر کنش‌های کلامی، پیوستار دستوری و معنایی به کار رفته در آیات را بهتر جو یا شد.

- حسینی و رادمرد (۱۳۹۳) در مقاله «تأثیر بافت زبانی- مکانی بر تحلیل کنش گفتار؛ مقایسه فراوانی انواع کنش‌های گفتاری در سورة‌های مکی و مدنی قرآن کریم» بر این باورند که با تحلیل کنش‌های گفتاری سورة‌های مکی و مدنی قرآن، بیان معارف الهی و اسلامی در قالب کنش اظهاری در سورة‌های مکی، حجم بیش‌تری از آیات را به خود اختصاص داده است.

- شریف و یارمحمدی (۱۳۹۳) در مقاله «بررسی رباعیات خیام از منظر گفتمان‌شناختی انتقادی با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی گفتمان‌مدار» به این نتیجه رسیدند که در میان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار موجود در رباعیات خیام، اظهار با قرینه فحوایی در مقایسه با اظهار با قرینه لفظی فراوانی معناداری دارد.

- داوودی مقدم (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل ادبی زبانی داستان قرآنی موسی^(ع) و خضر از منظر نظام‌های گفتمانی» اذعان می‌کند که می‌توان از تحلیل نظام‌های گفتمانی در نمایش پردازش ساختار ماهرانه حکایات قرآنی استفاده کرد.

- داوودی مقدم (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل نشانه-معناشناسی گفتمان در قصه یوسف^(ع)»، با تحلیل داستان یوسف از منظر نشانه-معناشناسی، به توصیف و تبیین انواع نظام‌های گفتمانی در این داستان پرداخته‌است.

با این توضیحات و با توجه به پیشینه مذکور به نظر می‌رسد که پژوهش حاضر نخستین اثری است که به تحلیل گفتمان مدار آیات قرآن با تأکید بر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی می‌پردازد که علاوه بر جنبه نوآوری تحقیق، نقش بسزایی در روشنگری مخاطب پیرامون نحوه ارائه مفاهیم گوناگون قرآنی ایفا می‌کند و نیز وی را نسبت به اهمیت کاربرد زبان در شیوه بیان این مفاهیم و کشف روابط زبانی قرآن کریم آگاه می‌سازد.

۲. چارچوب نظری

تحلیل آثار مکتوب و شفاهی به مخاطب این امکان را می‌دهد تا بیشتر و بهتر پنهان‌کاری‌های ادبی و لایه‌های زیرین زبان ادبی آن را دریابد (ر.ک؛ آشوری، ۱۳۷۷: ۲۱۰). لازمه تحقق این مهم، درک درست واژگان است. در پژوهش‌های قرآنی، برای درک بیشتر آیات، واژگان آن در دو فرم روساخت و زیرساخت ارزیابی می‌شود؛ چراکه «آنچه در آغاز بر مفسر لازم است آن را در نظر داشته باشد و به گنجینه معارف قرآنی نائل شود، واژه‌شناسی است» (الزرکشی، ۱۹۹۲م، ج ۲: ۳۱۳ و الخولی، ۱۹۹۵م: ۲۳۷). زبان‌شناسان از این امر به تحلیل گفتمان تعبیر می‌کنند. مفسرانی که به قواعد مطرح در فهم قرآن و تفسیر آن توجه کرده‌اند، از تحلیل گفتمان قرآن نیز غافل نمانده‌اند و در تفسیر بدان تکیه کرده‌اند (ر.ک؛ العوا، ۱۳۸۲: ۷۱ و جلیلی، ۱۳۷۲: ۷۴). از آنجا که تحلیل گران گفتمان بر موضوع واحدی کار نمی‌کنند و هر یک بنا به حوزه فعالیت خود تعریفی از آن را می‌پذیرند، همه آن‌ها کاربرست اجتماعی زبان و فرارفتن از صورت‌های

زبان‌شناختی را وجهه همت خود قرار داده‌اند. ون دایک (Van Dijk) گفتمان را «شکلی از کاربرد زبان، مثلاً در یک سخنرانی یا حتی به طور کلی‌تر، زبان گفتاری یا شیوه سخن گفتن» (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۸۷) می‌داند و بر این باور است که نقش گفتمان تنها بیان ایدئولوژی نیست و گفتمان «در بازتولید ایدئولوژی‌ها نقش اساسی دارد» (Van Dijk, 1998: 22). در باور فرکلاف (Norman Fairclough)، تحلیل گفتمان روشی است که «برای بررسی تغییرات اجتماعی و فرهنگی به کار گرفته می‌شود و در نزاع با سلطه به آن استناد می‌شود» (Fairclough, 2002: 70)؛ چراکه از نظر وی، پدیده‌های زبان‌شناختی، اجتماعی هستند؛ بدین صورت که «کسانی که در شرایط زمانی و مکانی خاص از زبان استفاده می‌کنند، در حقیقت، زبان را تحت تأثیر قراردادهای اجتماعی حاکم بر جامعه به کار گرفته‌اند» (Ibid, 2002: 23). با این تعریف‌ها، می‌توان انواع تحلیل‌های زبانی-گفتمانی را به سه دسته زیر تقسیم کرد:

- ۱- «تحلیل گفتمان ساختگرا» که در آن، «واحد‌های بزرگ‌تر از جمله، فارغ از بافت و شرایط زمانی-مکانی و بیرونی متن، مورد توجه قرار می‌گیرد» (Wodak, 2001: 5).
 - ۲- «تحلیل گفتمان نقش‌گرا» که در آن، شرایط زمانی-مکانی که زبان در آن به کار رفته‌است، وارد تحلیل گفتمان می‌شود (ر.ک؛ همان: ۷).
 - ۳- «تحلیل گفتمان انتقادی» که در آن «بر نقش قدرت و ایدئولوژی به مثابه شرایط فرامتنی مؤثر بر تحلیل گفتمانی تأکید می‌شود» (همان: ۹).
- نوع سوم تحلیل گفتمان، بیشترین وجه جامعه‌شناختی گفتمان را دارد؛ چراکه «در آن، نحوه بازتولید قدرت اجتماعی و سیاسی به وسیله متن و گفتگو برجسته می‌گردد» (شرشار، ۲۰۰۶م: ۲۳).

الگوی گفتمان‌مدار ون لیوون (۲۰۰۸م.) از جمله نظریات جدید گفتمان انتقادی است که با بسط و تلفیق نظریات دیگر جامعه‌شناسان توانسته‌است تأثیر گفتمان را در ساخت، تبدیل صورت و حفظ قدرت اجتماعی و جامعه اثبات نماید. می‌توان رگه‌هایی از تحلیل گفتمان واژگان قرآن را از این منظر و تلفیق آن با مسئله قدرت در تفاسیر برخی از

مفسران درباره واژه «رَبِّ» و همنشینی آن با واژه «وجه» مشاهده کرد (ر.ک؛ الزمخشری، ۱۴۰۷ق.، ج ۴: ۴۴۶؛ آلکوسی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱۴: ۱۰۷ و فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق.، ج ۱: ۱۸۲). لیوون تحلیل گفتمان انتقادی را از حوزه زبان‌شناسی به عالم اجتماع کشاند و شاخص‌های جامعه‌شناختی-معنایی (Socio-semantics) را ملاک تحلیل خود قرار داد و دلیل این امر را «نبودن رابطه صددرصد مستقیم میان شاخص‌های زبان‌شناختی و نقش آن‌ها» (پهلوان‌نژاد و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۴) می‌داند. همچنین، وی معتقد است که «مطالعه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی گفتمان، ابزاری نیرومند برای تحلیل متن است تا بررسی مؤلفه‌های زبان‌شناختی صرف» (Van Leeuwen, , 2008: 4). با این فرض، لیوون مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی را معرفی می‌کند. او مجموع افرادی را که در یک رویداد حضور دارند، با عنوان کارگزاران اجتماعی (Social actors) معرفی می‌کند. با نگاه به سوره جن و تطبیق آن بر نظریه لیوون، کارگزاران اجتماعی سوره شامل تمام افرادی است که در رویدادها و داستان‌های مختلف این سوره مشارکت دارند.

۳. تحلیل مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در داده‌های پژوهش

هر گفتمان با تکیه بر مبانی بنیادین خود، روش متناسبی را تولید و پدیده‌های اجتماعی را در قالب آن تحلیل می‌کند؛ زیرا در حقیقت، «گفتمان، زبان و رای جمله و عبارت است» (Jaworski & Coupland, 1999: 1). با توجه به این مسئله، در این قسمت با بررسی و تحلیل نظام زبانی سوره جن، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و لیوون از آن استخراج و اهداف به کارگیری هر یک از آن‌ها نیز مشخص می‌شود. الگوی لیوون متشکل از دو شاخه اصلی «حذف» و «اظهار» است که هر یک به زیرشاخه‌های جداگانه‌ای تقسیم‌بندی می‌شود.

۱-۳. حذف (Elusion)

از جمله ظرایف زبانی موجود در قرآن کریم که مفسران در خلال کتب تفسیری اشارات متعددی بدان داشته‌اند، مؤلفه «حذف» است. این ویژگی در بسیاری از زبان‌ها مشهود است، اما «در زبان عربی، به دلیل تمایل خاص گویشوران آن به خلاصه‌گویی، جایگاه ویژه‌ای دارد» (حموده، ۱۹۹۸م: ۴). در قرآن کریم، حذف‌هایی صورت می‌پذیرد که برای برجسته‌سازی پیامی خاص و گریز از یکنواختی شکل می‌یابد. به همین سبب، مفسران قرآن کارکردهای حذف را در تفخیم، تعظیم، گزیده‌گویی، تخفیف، فاصله‌گذاری، ابهام و غیره تعریف نموده‌اند (ر.ک؛ الزرکشی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۱۱۵-۱۲۰ و عید، ۱۹۹۴م: ۹۱). مؤلفه حذف به گونه‌ای است که «تعدادی از کارگزاران اجتماعی در طی گفتمان بازنمایی نمی‌شوند» (Van Leeuwen, 2008: 32). در بلاغت سنتی، برای هر حذفی قرینه‌ای وجود دارد و «وجود قرینه‌ای که بر محذوف دلالت کند، اساس حذف است؛ زیرا در صورت مخفی بودن قرینه، معنا پوشیده می‌ماند» (ابن اثیر، ۱۹۹۴م، ج ۲: ۸۱). در الگوی ون لیوون، حذف «گاه آگاهانه (Purposely) است و بسته به اهداف و منافع تولیدکنندگان متن دارد و گاه غیر آگاهانه (Innocent) است و بر فرض آن است که خواننده یا شنونده از هویت کارگزار حذف‌شده، آگاه است و او را می‌شناسد» (Van Leeuwen, 2008: 32). حذف آگاهانه «در پیوند با اهداف نویسنده و برای ایجاد تصور مورد نظر در مخاطب صورت می‌گیرد» (سادات مقداری و جهانگیری، ۱۳۹۴: ۱۲۷) و خود به دو نوع «پنهان‌سازی» (Suppression) و «کم‌رنگ‌سازی» (Back grounding) تقسیم می‌شود.

در پنهان‌سازی، با «حذف کامل کارگزار اجتماعی و فعالیت آن» (Ibid: 33) روبه‌رو هستیم، به گونه‌ای که هیچ اثری از آن در متن بر جای نمی‌ماند. در بلاغت سنتی، این نوع حذف نامقبول است؛ چراکه «اگر محذوف مشخص نباشد، باعث ایجاد خلل در کلام شده که جزو عیوب کلام برشمرده می‌شود» (قدامة بن جعفر، ۱۸۸۴م: ۲۰۶). لذا باید برای آن قرینه‌هایی (از خلال بافت کلامی) در نظر گرفت. در سورة جن، ۶ بار کارگزار

اجتماعی به طور کامل از خلال گفتمان حذف شده است. در ادامه، به برخی از این آیات اشاره می‌شود:

○ ﴿قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ﴾ (الجن / ۱) (سوره جن با این آیه آغاز می‌شود و فاعل «قُل»، «أنت» مستتر است که از کلام پنهان شده است و مرجع آن پیامبر^(ص) است که به قرینه حالیه از کلام حذف شده است).

○ ﴿قُلْ إِنَّمَا أَدْعُو رَبِّي﴾ (الجن / ۲۰) (حذف کامل کارگزار اجتماعی «أنت» است که به پیامبر^(ص) برمی‌گردد).

○ ﴿هُوَ﴾ (هو) عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ (الجن / ۲۶) (حذف کامل کارگزار «هو» که به «الله» برمی‌گردد).

در کم‌رنگ‌سازی، «با وجود حذف کارگزار از گفتمان، اثری از او در متن بر جای است، به طوری که می‌توان به صورت تلویحی به حضور او پی برد» (Van Leeuwen, 2008: 33). به این اثر در بلاغت سنتی، قرینه لفظی می‌گویند. در سوره جن از این شیوه ۱۸ بار استفاده شده است. آیات زیر گواه حذف کارگزار اجتماعی از نوع کم‌رنگ‌سازی است:

○ ﴿فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا﴾ (الجن / ۱۳) (کارگزار دو فعل «یؤمن» و «یخاف»، ضمیر «هو» مستتر است که به اسم موصول «مَنْ» بازمی‌گردد).

○ ﴿قُلْ إِنِّي لَا أُمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ (الجن / ۲۱) (کارگزار فعل «أملك»، ضمیر «أنا» مستتر است که به اسم «إِن» برمی‌گردد).

○ ﴿إِنَّا مِنَّا ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِن بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِن خَلْفِهِ رَصَدًا﴾ (الجن / ۲۷) (کارگزار فعل «ارتضى» و «يسلك»، ضمیر مستتر «هو» است که به اسم موصول «مَنْ» برمی‌گردد).

۲-۳. اظهار (Inclusion)

سازوکار گفتمانی یک رویداد ارتباطی، شامل فرایندهای مختلف ساخت متن است. این امر به تحلیل گفتمانی متن منجر می‌شود، نه تحلیل صرفاً متنی آن. تحلیل متون بر پایه نظام جامعه‌شناختی-معنایی زمانی رخ می‌دهد که «متون در شرایط اجتماعی تولید و مصرف قرار می‌گیرند و به آن مربوط می‌شوند» (Richardson. 2007: 41). لذا بررسی شیوه‌های بازنمایی و اظهار کارگزاران اجتماعی متن می‌تواند ابزار شناخت این فرایند باشد. لیون اظهار کارگزار اجتماعی را چنین مطرح می‌کند: «هرگاه کارگزار اجتماعی به‌وضوح در گفتمان حضور داشته باشد، پدیده اظهار رخ داده‌است» (Van Leeuwen, 2008: 32) و آن را در سه شیوه تعیین نقش، تعیین نوع اشاره و تعیین ماهیت تقسیم‌بندی می‌کند.

۱-۲-۳. تعیین نقش (Role allocation)

لیون معتقد است «نقش‌هایی که در تصویرسازی به کارگزار داده می‌شود، برای تعیین کارگزار (Agent) و یا پذیرنده عمل (Patient) است» (Ibid: 34). وی از این دو به تعیین نقش یاد می‌کند. تعیین نقش به دو صورت فعال‌سازی (Activation) و منفعل‌سازی (Passivation) صورت می‌گیرد. در فعال‌سازی، «کارگزار اجتماعی به عنوان نیرویی فعال، پویا و اثرگذار معرفی می‌شود» (همان) که در حقیقت، انجام‌دهنده همه کنش‌هاست. این پدیده ۳۱ بار در سورة جن به کار رفته‌است. به آیات زیر بنگرید:

○ ﴿وَأَنَا ظَنَّنَا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ﴾ (الجن / ۱۲) ضمیر بارز «نا» که به جنیان اشاره دارد، به عنوان کارگزار اجتماعی است که نقشی فعال در کنش‌های گمان کردن (ظَنَّنَا) و به ستوه آوردن (نُعْجِزَ) دارد.

○ ﴿وَأَنَّ الْمَسَاجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا﴾ (الجن / ۱۸) (کارگزاران فعالی که به آن‌ها دستور داده شده که شریکی برای خدا قائل نشوند، ضمیر بارز «واو» است که به همه انسان‌ها بازمی‌گردد).

○ ﴿وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا﴾ (الجن / ۱۹) (بنده خدا به عنوان کارگزار اجتماعی معرفی شده است که نقشی فعال در دعوت به سوی حق دارد).

در منفعل سازی، کارگزار اجتماعی به گونه‌ای تصویرسازی می‌شود که گویی «عمل را به اجبار پذیرفته است و به آن تن می‌دهد» (Van Leeuwen, 2008: 35). منفعل سازی به دو مقوله تأثیرپذیری مستقیم و غیرمستقیم تقسیم می‌شود؛ «در نوع نخست، کارگزار به طور مستقیم به کاری گمارده می‌شود، اما در نوع دوم، کارگزار به طور غیرمستقیم دریافت کننده نتیجه عمل است» (همان). تأثیرپذیری مستقیم در سوره جن، ۱۸ بار و تأثیرپذیری غیرمستقیم، ۱۱ بار اتفاق افتاده است. به آیات زیر دقت کنید:

○ ﴿يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا﴾ (الجن / ۲) (هو در «به» و ربّ در «بربنا» به عنوان دو کارگزاری هستند که به طور غیرمستقیم (حروف جر) در نظام گفتمانی حضور یافتند و واژه «أحدًا» به عنوان کارگزاری ایفای نقش می‌کند که مستقیماً در گفتمان حضور یافته است).

○ ﴿وَأَنَّهُ تَعَالَى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا﴾ (الجن / ۳) (کارگزار اجتماعی همسر و فرزند به طور مستقیم از ساحت قدسی نفی شده است).

○ ﴿وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ﴾ (الجن / ۶) (تأثیرپذیری غیرمستقیم).

۲-۲-۳. تعیین نوع اشاره (Reference allocation)

در تعریف گفتمان آمده است که گفتمان «روش‌های خاصی است در سخنوری که تولیدکننده و بازتاب‌دهنده طرز فکری خاص است» (Johnstone, 2008: 2). در تحلیل گفتمان، شناخت این روش‌ها و طرز فکرها حائز اهمیت است. لیوون در الگوی گفتمان مدار خود از روش‌های گفتمانی به تعیین نوع اشاره یاد می‌کند: «نوع اشاره با بازنمایی کارگزار اجتماعی یا در مقام انسان و با کمک مواردی که مشخصه انسانی (= تشخیص بخشی) دارند و یا در مقام غیرانسان و با کمک مواردی که مشخصه غیرانسانی

دارند (= تشخیص زدایی)، محقق می‌شود» (Van Leeuwen, 2008: 36). در زیر به هر یک از این مقوله‌ها و زیرمجموعه‌های مرتبط به آن اشاره می‌شود.

۳-۲-۱. تشخیص بخشی (Personification)

نحوه تشخیص بخشی کارگزاران اجتماعی در گفتمان می‌تواند تأثیر مهمی بر طرز نگرش به آن‌ها داشته باشد. هر کارگزار اجتماعی به طور همزمان خصوصیتی دارد که می‌تواند مخاطب را برای شناخت دقیق وی یاری رساند. یادآوری می‌شود که «شیوه‌های تشخیص بخشی کارگزار اجتماعی نه تنها مشخص‌کننده گروهی است که کارگزار عضو آن است، بلکه رابطه بین فرد نام‌گذراننده و نام‌گذاری شده را نیز مشخص می‌کند» (Richardson. 2007: 49). تشخیص بخشی به دو زیرشاخه نامشخص‌سازی (Indetermination) و مشخص‌سازی (Determination) تقسیم می‌شود و «چنانچه هویت کارگزاران اجتماعی که در قالب مشخصه‌های انسانی بازنمایی شده‌اند (تشخیص بخشی) مشخص نگردد و به صورت افرادی ناشناس معرفی گردند، از شیوه نامشخص‌سازی استفاده شده‌است» (Van Leeuwen, 2008: 37). در این شیوه، از واژگان مبهمی مانند «کل»، «بعض»، «من»، «نفر»، «قوم»، «جماعه»، «طائفة»، «عدد» و «فلان» استفاده می‌شود. در سوره جن، ۱۰ بار از این شیوه استفاده شده‌است. آیات زیر نمونه‌ای از کارکرد این شیوه است:

○ ﴿قُلْ أُوْحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ﴾ (الجن / ۱) (هویت جنیان مشخص نشده‌است).

○ ﴿فَمِنَ يَسْمَعِ الْآنَ يَجِدُ لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا﴾ (الجن / ۹) (هویت کارگزاری از جنیان که در آسمان به گوش می‌نشست، نامعلوم است و به همین سبب، از ضمیر مبهم «من» استفاده شده‌است).

○ ﴿وَمِنَ يُعْرَضُ عَن ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكُهُ عَذَابًا صَعَدًا﴾ (الجن / ۱۷) (نامشخص‌سازی با «من» موصوله مبهم).

از سوی دیگر، «اگر هویت کارگزاران اجتماعی که در قالب مشخصه‌های انسانی بازنمایی شده‌اند، به شیوه‌ای بارز بیان گردد، از شیوه مشخص‌سازی استفاده شده‌است» (Van Leeuwen, 2008: 37). این شیوه نقش مهمی در متن ایفا می‌کند؛ چراکه علاوه بر نسبت دادن معنا و ارزش‌های اجتماعی خاص به کارگزار اجتماعی، نوعی انسجام بین او با دیگر کارگزاران اجتماعی توصیف شده در متن نیز به وجود می‌آورد. لیوون مشخص‌سازی را به چهار نوع «پیوند»، «تفکیک»، «نام‌دهی - طبقه‌بندی» و «موردی» تقسیم می‌کند. در فرایند پیوند (Association)، «کارگزاران اجتماعی تشخص دار ممکن است به شکل گروه‌هایی نمایانده شوند که درباره فعالیتی نقطه‌نظر واحدی دارند و یا عمل واحدی را انجام می‌دهند» (Ibid). این شیوه که ۱۴ بار در سوره جن به کار رفته‌است، بیشتر با حروف عطف بازنمایی شده‌است. به آیات زیر دقت کنید:

○ ﴿وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَاَهَا مُمْلِئَةً حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا﴾ (الجن / ۸) (نگهبانان و شهاب‌سنگ‌ها به عنوان کارگزاران اجتماعی که در آسمان حضور دارند، به هم پیوند خورده‌اند).

○ ﴿إِنَّا بَلَّغْنَا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَنْصُرِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ﴾ (الجن / ۲۳) (نقش پیامبر^(ص) به عنوان کارگزار با دو گنش مبلّغ و مُرسل، و نیز نقش کارگزاران دوزخی با عصیان از خدا و فرستاده‌اش پیوند خورده‌است).

در فرایند تفکیک (Differentiation)، «به‌صراحت یک فرد یا گروه اجتماعی از افراد و گروه‌های مشابه تفکیک می‌شود و به عبارتی، گروه خودی و غیرخودی شکل می‌گیرد» (Van Leeuwen, 2008: 37). این شیوه که با عباراتی همچون «قبال»، «ضد»، «بل»، «إلا»، «لکن»، «أما» و... صورت می‌پذیرد، در سوره جن ۳ بار تکرار شده‌است. آیات زیر نمونه‌ای از این کاربریست گفتمان‌مدار است:

○ ﴿إِنَّا بَلَّغْنَا مِنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ﴾ (الجن / ۴۶) (در این گفتمان، به واسطه واژه «إلا»، وظیفه پیامبر از امور مختلف، به تبلیغ و رسالت تفکیک‌سازی شده‌است).

○ ﴿قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرِبٌ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا﴾ (الجن / ۲۵) (دو امرِ نزدیکی یا دوری وعده‌های خداوند با واژه «آم» تفکیک شده است).

در فرایند نام‌دهی و طبقه‌بندی، اگر «کارگزار اجتماعی با توجه به هویت منحصر به فردش بازنمایی شود، شیوه نام‌دهی (Nomination) به کار رفته است و اگر با توجه به هویت جمعی و نقش‌هایی که در آن با دیگر کارگزاران سهیم است، بازنمایی شود، از شیوه طبقه‌بندی (Categorization) استفاده شده است» (Van Leeuwen, 2008: 38). نام‌دهی به دو زیرشاخه «نام‌گذاری» و «عنوان‌دهی» تقسیم می‌شود. در زیرشاخه نام‌گذاری، اغلب نام خاص (= اسم علم) کارگزار ذکر می‌شود؛ مانند: الله، موسی، محمد و غیره. در زیرشاخه عنوان‌دهی نیز عنوان‌ها و القاب کارگزار بیان می‌شود؛ مانند: رب السموات و رسول الله و... در سوره جن، ۱۹ بار کارگزاران اجتماعی در نوع نام‌گذاری و ۸ بار در نوع عنوان‌دهی به کار رفته است. به آیات زیر دقت کنید:

○ ﴿فَأَمَّا بِهِ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا﴾ (الجن / ۲) (عنوان‌دهی خداوند با واژه «رب»).

○ ﴿وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهُنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا﴾ (الجن / ۴) (نام‌گذاری خداوند با واژه خاص «الله»).

○ ﴿وَأَمَّا الْفَاسِقُونَ فَكَأَنُوا يُجَاهِدُونَ جَهَنَّمَ حَطَبًا﴾ (الجن / ۱۵) (نام‌گذاری دوزخ با واژه خاص «جهنم»).

○ ﴿وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ﴾ (الجن / ۱۹) (نام‌دهی از نوع نیمه‌رسمی).

در فرایند طبقه‌بندی، «به جای ذکر هویت فردی، کنشگر اجتماعی در قالب طبقه خاصی که برخاسته از نقش‌ها و هویت مشترک است، بازنمایی می‌شود» (Van Leeuwen, 2008: 39). لیوون این فرایند را به سه شاخه «نقش‌دهی»، «هویت‌دهی» و «ارزش‌دهی» تقسیم می‌کند. در شیوه نقش‌دهی (Functionalization)، «کارگزار اجتماعی بر اساس فعالیتی که انجام می‌دهد، بازنمایی می‌شود و نقش می‌گیرد» (همان)؛ نقش‌هایی همچون نبی، رسول، معلم، مستشار و... در هویت‌دهی (Identification)،

«ذات و هویت کارگزار اجتماعی مطرح است، نه نقش آن» (Ibid: 40). لذا کارگزار بر اساس قومیت، جنسیت فرهنگ و مذهب و یا روابط خویشاوندی و یا بر اساس خصوصیات جسمی بازنمایی می‌شود. در شیوه ارزش‌دهی (Appraisal) نیز «کارگزار اجتماعی از طریق اصطلاحات تقابلی که بار معنایی مثبت یا منفی دارند، بازنمایی می‌شود» (همان)؛ اصطلاحاتی همچون مسلمان، مشرک، کافر، ظالم و باتقوا. آیات زیر از سوره جن بیانگر انواع کارکردهای طبقه‌بندی کارگزار اجتماعی است:

○ ﴿وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا﴾ (الجن/۲۳)

(طبقه‌بندی از نوع نقش‌دهی).

○ ﴿قُلْ أَوْحَىٰ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا قُرْآنًا عَجَبًا﴾ (الجن/۱)

(الجن: طبقه‌بندی کارگزار اجتماعی از نوع هویت‌دهی / عجبا: طبقه‌بندی کارگزار اجتماعی از نوع ارزش‌دهی).

کارگزار اجتماعی در آن واحد می‌تواند یک یا چند نقش اجتماعی داشته باشد که «اگر کارگزار تنها یک نقش اجتماعی داشت، مشخص‌سازی از نوع تک‌موردی (Single case) است و اگر بیش از یک نقش اجتماعی ایفا نمود، مشخص‌سازی از نوع چندموردی (Differentiation) است» (Van Leeuwen, 2008: 40). در سوره جن، ۱۱ بار از شیوه تک‌موردی استفاده شده است. آیات زیر بیانگر تک‌موردی بودن عملکرد کارگزار اجتماعی است:

○ ﴿وَأَمَّا الْفَاسِقُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا﴾ (الجن/۱۵) (انسان‌های منحرف به عنوان

کارگزار اجتماعی تنها نقش اجتماعی «هیزم دوزخ» را ایفا می‌کنند).

○ ﴿لَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا﴾ (الجن/۲۲) (خداوند به عنوان کارگزار اجتماعی

نقش پناهگاه بشریت را ایفا می‌کند).

نقش‌های چندموردی کارگزار اجتماعی «یا در تضاد با یکدیگر است؛ مثل «خوب و بد» و «سیاه و سفید» که به آن چندموردی وارونگی (Inversion differentiation)

می گویند و یا تخیلی است که به آن چندموردی نمادین شدگی (Symbolic differentiation) می گویند و یا جدا از نقش اصلی، نقش ضمنی و مجازی نیز دارد که به آن دلالت ضمنی (Connotation differentiation) می گویند و یا نقش انتزاعی دارد، بدین گونه که صفتی خاص از گروهی از کارگزاران گرفته می شود و آنگاه به هر یک از افراد آن گروه اطلاق می شود که به آن چندموردی فشرده شدگی (Compression differentiation) می گویند» (Van Leeuwen, 2008: 41). در سورة جن، مجموعاً ۲۲ بار از شیوه چندموردی استفاده شده است. به آیات زیر بنگرید:

○ ﴿وَأَنَا لَا نَدْرِي أَشَرٌّ أُرِيدَ بِمَن فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ رَشَدًا﴾ (الجن/ ۱۰)

(کارگزار اجتماعی بین دو نقش شرارت و هدایت مورد سؤال واقع شده است: چندموردی وارونگی).

○ ﴿وَأَنَا ظَنَّنَا أَنَّ لَن نُّعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَن نُّعْجِزَهُ هَرَبًا﴾ (الجن/ ۱۲) (ناتوانی

جنیان در به ستوه آوردن خداوند، نقشی است که به طور ضمنی اشاره به قدرت بی نهایت کارگزار اجتماعی (خداوند) دارد: چندموردی دلالت ضمنی).

○ ﴿وَأَنَا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ آمَنَّا بِهِ فَمَن يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ فَلَا يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا﴾ (الجن/ ۱۳)

(ایمان آوردن و نهراسیدن از سختی ها دو نقش کارگزار اجتماعی است: چندموردی فشرده گی).

۲-۲-۲-۳. تشخیص زدایی (Impersonification)

پیش از این گفته شد که تعیین نوع اشاره به دو شاخه تشخیص بخشی و تشخیص زدایی تقسیم می شود و «هرگاه کارگزار اجتماعی با مشخصه های غیرانسانی بازنمایی شود، از شیوه تشخیص زدایی استفاده شده است» (Van Leeuwen, 2008: 36). این شیوه به دو مقوله انتزاعی کردن (Abstraction) و عینی کردن (Objectivation) تقسیم می شود. در انتزاعی کردن، «صفت یا یک ویژگی کارگزار جایگزین او می شود و کارگزار بدین

شیوه بازنمایی می‌شود» (Ibid). در سوره جن، از این شیوه ۱۱ بار استفاده شده است. به آیات زیر بنگرید:

○ ﴿وَأَنَا مِمَّنِ الْمُسْلِمُونَ وَمِمَّنِ الْفَاسِقُونَ﴾ (الجن / ۱۴) (به واسطه حرف جرّ «مِن» که به معنای انتزاع است، تعدادی از کارگزاران اجتماعی (= جنیان)، ماهیت مسلمان و یا منحرف گرفته‌اند).

○ ﴿إِنَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ...﴾ (الجن / ۲۳) (از کارگزار اجتماعی، ویژگی تبلیغ انتزاع شده است).

در عینی کردن، «کارگزار اجتماعی به کمک کارگزار دیگری بازنمایی می‌شود» (Van Leeuwen, 2008: 36). در صورتی که «کارگزار اجتماعی دلالت بر مکان داشته باشد، عینی کردن از نوع مکان‌مداری (Orbital Position) است و اگر ابزار باشد، از نوع ابزارمداری (Orbital Tool)، اگر گفتار و نوشتار کارگزار باشد، از نوع گفته‌مداری (Speech circuit)، و اگر عینی کردن با اشاره به بخشی از بدن کارگزار اجتماعی صورت پذیرد، از نوع اندام‌مداری (Fitness circuit) است» (همان). در سوره جن، از این شیوه ۲ بار استفاده شده است:

○ ﴿وَأَنَا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقَاعِدَ لِلسَّمْعِ﴾ (الجن / ۹) (ویژگی شنیدن (السَّمْع) به جای اینکه به انسان نسبت داده شود، به مکان (مَقَاعِد) نسبت داده شده است: مکان‌مداری).

○ ﴿وَأَنَا لَمَسْنَا السَّمَاءَ﴾ (الجن / ۸) (آسمان به عنوان کارگزاری در نظر گرفته شده است که می‌تواند لمس شود: ابزارمداری).

۳-۲-۳. تعیین ماهیت (Type allocation)

پیش از این اشاره شد که پدیده اظهار به سه نوع «تعیین نقش»، «تعیین نوع اشاره» و «تعیین ماهیت» تقسیم می‌شود. تعیین ماهیت در صورتی است که «کارگزار اجتماعی به صورت عام (جنس) یا خاص (نوع) بازنمایی شود» (Van Leeuwen, 2008: 37). تعیین

ماهیت به دو شاخه «جنس ارجاعی» (Genericisation) و «نوع ارجاعی» (Specification) تقسیم می‌شود. جنس ارجاعی در صورتی است که «کارگزار اجتماعی بر امری عام» (همان)، همچون انسان، حیوان، شر، خیر، بشر، خلق و غیره دلالت داشته باشد. برای تعیین ماهیت کارگزاران اجتماعی سورة جن، از این شیوه ۳۸ بار استفاده شده است. آیات زیر نمونه‌ای از کاربرد جنس ارجاعی است:

○ ﴿وَأَلَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (الجن/۱۶) (راه و روش، اشاره به ماهیت کارگزار اجتماعی دارد).

○ ﴿قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا﴾ (الجن/۲۱) (ماهیت کارگزار اجتماعی با جنس زیان و هدایت تعیین شده است).

نوع ارجاعی در صورتی است که «کارگزار اجتماعی بر امری خاص و یا گروهی خاص دلالت کند» (Van Leeuwen, 2008: 37)؛ مانند: رسول الله، مدینه النبی، اهل مدین، المسلمون، المفلحون و غیره. لیون برای نوع ارجاعی دو زیرمقوله فرد ارجاعی (Individualization) و گروه ارجاعی (Assimilation) قائل است و «زمانی که کارگزار به صورت فرد نمایانده شود، حالت فرد ارجاعی است و آنگاه که به صورت گروه بازنمایی شود، گروه ارجاعی است» (همان). برای تعیین ماهیت کارگزاران اجتماعی سورة جن، از هر دو شیوه نوع ارجاعی ۱۱ بار استفاده شده است. آیات زیر نمونه‌ای از بازنمایی کارگزار اجتماعی در دو شکل فرد ارجاعی و گروه ارجاعی است:

○ ﴿فَوَجَدْنَاهَا مَلِئَتْ حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهُبًا﴾ (الجن/۸) (گروه ارجاعی).

○ ﴿وَأَنَا مِنَ الصَّالِحِينَ وَمِمَّا دُونَ ذَلِكَ﴾ (الجن/۱۱) (گروه ارجاعی).

○ ﴿عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهَرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا﴾ (الجن/۲۶) (فرد ارجاعی).

جدول ۲: بسامد مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در سوره جن ۱

نوع	بسامد	نوع	بسامد	نوع	بسامد	نوع	بسامد
حذف	۲۴	حذف غیر آگاهانه	۰	حذف غیر آگاهانه	۲۴	حذف آگاهانه	۲۴
کمرنگ‌سازی	۱۸	تعیین نقش	۶۰	تعیین نوع اشاره	۶۳		
تعیین ماهیت	۴۹	منفعل‌سازی	۲۹	تأثیر مستقیم	۱۸		
تأثیر غیر مستقیم	۱۱	تشخص‌زدایی	۱۳	نامشخص‌سازی	۱۰		
مشخص‌سازی	۴۰	تفکیک‌کردن	۳	نامگذاری	۱۹		
عنوان‌دهی	۸	نقش‌دهی	۲	هویت‌دهی	۲		
ارزش‌دهی	۱	چندموردی	۲۲	وارونگی	۵		
نمادین‌شدگی	۰	فشرده‌شدگی	۱۵	انتراعی‌کردن	۱۱		
عینی‌کردن	۲	ابزارمداری	۱	گفته‌مداری	۰		
اندام‌مداری	۰	نوع ارجاعی	۱۱	فرد ارجاعی	۲		
گروه ارجاعی	۹	مجموعه ارجاعی	۰	جمع کل	۱۹۷		

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه درباره نظام گفتمانی سوره جن گفته شد، این نتایج حاصل شد:

- بررسی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در سوره جن بیانگر بسامد بالای کاربرست کنش‌های گفتاری مرتبط به بافت اجتماعی است که تأثیر زیادی در تأکید جمله‌ها نسبت به بافت اجتماعی دارد و اینگونه کارآیی تحلیل گفتمان‌مدار را در سوره جن می‌افزاید.

- هر یک از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار با انگیزه‌های مختلف بلاغی در آیات سوره جن تبیین شد که خداوند متعال آن‌ها را برای تأکید بیشتر بر معنا به کار برده است. بر این اساس، بالاترین بسامد گفتمان‌مدار این سوره، متعلق به مؤلفه اظهار با بسامد ۱۷۲ نسبت به مؤلفه پوشیدگی با بسامد ۲۴ است. در حذف آگاهانه، گاهی کارگزاران اجتماعی به طور کامل از نظام گفتمانی حذف می‌شدند و گاهی به مدت اندکی برای کمرنگ‌سازی از آن

فاصله می گرفتند. همچنین، شگردهای بیانی خاص قرآن کریم با تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های گفتمان مدار، میزان بالای بسامد مؤلفه اظهار را نشان می‌دهد که شگرد خاص خالق متعال در ارائه کارگزاران اجتماعی در موقعیت‌ها و شرایط مختلف است.

- میزان ارزیابی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی- معنایی در این سوره چنین می‌نماید که مؤلفه‌ها توانسته‌اند به صورت برجسته‌ای ظاهر شوند تا در هویت‌دهی و اشاره به کارگزاران اجتماعی موفق عمل نمایند. بیان هر یک از کارگزاران اجتماعی سوره به عنوان بازیگران اصلی متن، در فهم بیشتر کنش گفتاری و ساختار معنایی- بلاغی متن کمک می‌کند.

پی‌نوشت

۱. با توجه به اینکه محور اصلی مؤلفه‌های گفتمان مدار، پدیده حذف و اظهار است (ر.ک؛ جدول ۱) و با توجه به اینکه هر یک از این پدیده‌ها به شاخه‌ها و زیرشاخه‌های متعددی تقسیم‌بندی می‌شود و بسامد هر یک از آنها سرانجام در بسامد حذف و اظهار لحاظ شده‌است. لذا جمع کل مؤلفه‌های گفتمان مدار در سورة جن، در حقیقت، مجموع بسامد حذف و اظهار است.

منابع و مأخذ

قرآن کریم.

آشوری، داریوش. (۱۳۷۷). «گفتار و گفتمان». راه‌نو. س ۱. ش ۷. صص ۱۹-۲۳.
آقاگل‌زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. چ ۱. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

الآلوسی، سید محمود. (۱۴۱۵ ق.). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم. تحقیق علی عبدالباری عطیة. ط ۱. بیروت: دار الکتب العلمیة.

ابن الأثیر، ضیاء‌الدین. (۱۹۹۴ م.). المثل السائر. ط ۱. مصر: دار النهضة.

تلاوی، محمد نجیب. (٢٠٠٩ م.). *تجدید الخطاب النقدي*. ط ١. القاهرة: الدار الثقافية للنشر.

جرفی، محمد و عباد محمدیان. (١٣٩٣). «بررسی سوره عبس از دیدگاه سبک‌شناسی گفتمانی میشل فوکو». *پژوهش‌های ادبی - قرآنی*. س ٢. ش ٢. صص ٩-٢٦. جلیلی، هدایت. (١٣٧٢). *روش‌شناسی تفاسیر موضوعی قرآن*. ج ١. تهران: کویر. الحمصی، هشام عبدالرزاق. (١٩٩٣ م.). *نظرات فی کتاب الله*. ط ١. دمشق: دار الهدی. حمودة، طاهر سلیمان. (١٩٩٨ م.). *ظاهرة الحذف فی الدرس اللغوی*. ط ١. الإسكندرية: الدار الجامعية.

الخولی، أمین. (١٩٩٥ م.). *مناهج تجدید فی النحو والبلاغة والتفسیر والأدب*. ط ١. القاهرة: الهيئة المصرية العامة.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (١٤١٢ ق.). *المفردات فی غریب القرآن*. ط ١. دمشق: دار العلم.

زرقانی، محمد عبدالعظیم. (١٩٨٨ م.). *مناهل العرفان فی علوم القرآن*. ط ٢. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

الزرکشی، بدرالدین. (١٩٩٢ م.). *البحر المحیط فی أصول الفقه*. تحقیق عبدالقادر العانی. ط ٣. کویت: وزارة الأوقاف.

_____ (١٤٠٨ ق.). *البرهان فی علوم القرآن*. تحقیق محمد أبو الفضل إبراهیم. ط ٢. بیروت: دار الجمیل.

الزمخشري، جارالله محمود. (١٤٠٧ ق.). *الكشاف عن حقائق غوامض التنزيل*. ط ٣. بیروت: دار الكتاب.

سادات مقداری، صدیقه و شکوفه جهانگیری. (١٣٩٤). «تحلیل گفتمان انتقادی شعر دفاع مقدس برای کودکان از منظر رهیافت ون لیوون». *متن پژوهی ادبی*. س ١٩. ش ٦٥. صص ١٢١-١٦٠.

شرشار، عبدالقادر. (٢٠٠٦ م.). *تحلیل الخطاب الأدبی وقضايا النص*. ط ١. وهران: دار الأديب.

طباطبائی، سید محمدحسین. (۱۹۷۳ م.). *المیزان فی تفسیر القرآن*. ط ۱. بیروت: الأعلمی. عبده، محمد و محمد رشیدرضا. (۱۴۲۲ ق.). *تفسیر المنار*. ط ۲. بیروت: دار إحياء التراث العربی.

العموش، خلود. (۱۳۸۸). *گفتمان قرآن: بررسی زبان شناختی پیوند متن و بافت قرآن*. ترجمه حسین سیدی. چ ۱. تهران: سخن.

العوا، سلوی محمد. (۱۳۸۲). *بررسی زبان شناختی وجوه و نظایر در قرآن کریم*. ترجمه حسین سیدی. چ ۱. تهران: به نشر.

عید، رجاء. (۱۹۷۹ م.). *فلسفة البلاغة بين التقنية والتطور*. ط ۲. الإسكندرية: منشأة المعارف.

فیض کاشانی، ملا محسن. (۱۴۱۵ ق.). *الصادق فی تفسیر کلام الله الوافی*. تحقیق: حسن أعلمی. ط ۲. قم: الصدر.

قدامة بن جعفر، ابو الفرج. (۱۸۸۴ م.). *نقد الشعر*. ط ۱. بیروت: دار الکتب العربیة. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۴ ق.). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول*. ط ۱. طهران: دار الکتب الإسلامية.

مفتاح، محمد. (۱۹۹۰ م.). *دينامية النص: تنظيم وإنجاز*. ط ۲. بیروت: الدار البيضاء. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران. (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. چ ۲. تهران: دار الکتب الإسلامية. میرفخرایی، تژا. (۱۳۸۳). *فرایند تحلیل گفتمان*. چ ۱. تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها.

یقطین، سعید. (۱۹۸۹ م.). *انفتاح النص الروائی*. ط ۲. بیروت: الدار البيضاء.

Fairclough, Norman. (1989). *Language and Power*. London: Longman.
----- (2002). "Critical Discourse Analysis and the
Marketization of Public Discourse". *Critical Discourse Analysis*.
Toolan, M. (Ed.). Vol.2. London: Routledge.

Jaworski, Adam & Nikolas Coupland. (1999). *The Discourse Reader*.
British: Routledge.

Johnstone, Barbara. (2008). *Discourse Analysis*. Malden, M.A: Blackwell
Publishing.

Richardson, John E. (2007). *Analyzing Newspapers: An Approach from
Critical Discourse Analysis*. New York: Palgrave Publishing.

- Slembrouck, Stef. (2006). "What is Meant by Discourse Analysis?". *Critique of Anthropology*. No. 21. P. 1.
- Van Dijk, Teun. (1998). "Opinions and Ideologies in the Press". *Approaches to Media Discourse*. Bell, A. and Peter Garrett (Ed.). Oxford: Blackwell, Pp. 21-63.
- Van Leeuwen, Theo. (2008). *Discourse and Practice, New Tools for Critical Discourse Analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Wodak, Ruth & Michael Mayer. (2001). *Methodes of Critical Discourse Analysis*. London: SAGE Publication.

